

محمود روح‌الامینی

شاگردی، مریدی و اخلاص به‌استاد محمدتقی دانش‌پژوه و نیز دوستی نگارنده با دکتر محمد دانش‌پژوه مهندس احمد دانش‌پژوه و دکتر مهدی دانش‌پژوه فرزندان استاد قدمتی چهل ساله دارد که در آمل شروع شد. که پیوند شاگردی و ارادت و امکان زیارت استاد آن را بیشتر و محکمتر کرده است. این پیوند و سعادت تا دیماه امسال زمان درگذشت استاد ادامه داشت.

از شعرهایی که در رثای دانشمندان سروده شده، قطعه‌ای از رودکی است که در مرگ یکی از استادان زمان خود گفته و آن به‌حق درباره‌ی استاد دانش‌پژوه صادق است:
رودکی می‌گوید:

کاه‌بند او که به‌بادی پرید	آب‌بند او که به سرما فسرد
شانه‌بند او که به‌مویی شکست	دانه‌بند او که زمینش فشرد
گنج زری بود در این خاکدان	کو دو جهان را به‌جوی می‌شمرد

این گنج زر در عین حال که به‌حق «دو جهان را به‌جوی نمی‌شمرد» به‌یک چیز عشق می‌ورزید و به‌یک چیز تعصب داشت و آن شوق و ذوق بی‌اندازه به‌جستن، شناختن و شناساندن نسخه‌های خطی، از نوشته‌های تاریخی، فلسفی، هنری و علمی پیشینیان بود.

از خود در «سرگذشت من» می‌نویسد در سال ۱۳۲۰ لیسانس گرفته و از سال ۱۳۱۹ به‌خدمت دانشکده‌ی حقوق، ۱۳۲۱ به‌دبیری دبیرستان‌های تهران و در سال ۱۳۳۱ به‌معاونت کتابخانه‌ی دانشکده‌ی حقوق و در سال ۱۳۳۳ به‌ریاست کتابخانه‌ی کتب خطی دانشگاه نایل آمده است.

در تجلیل استاد محمدتقی دانش‌پژوه هرچه گفته‌اید کم است و بسیاری از استادان و همکاران علمی و دانشگاهی و پژوهشی وی نوشته‌اند، این دانش‌آموز می‌کوشد تنها و تنها به‌یکی از زمینه‌های پژوهش استاد یعنی «نسخه‌های خطی» پردازد.

موضوع مقاله‌ها و کتاب‌های استاد دانش‌پژوه به‌مقدار زیادی در «تدوین فهرست» و در «معرفی نسخه‌های خطی» است.

استاد دانش‌پژوه در ظرف پنجاه سال، یعنی از سال ۱۳۲۴ که نخستین ترجمه از شیخ مفید تا

آخرین تألیف‌های او در سال ۱۳۷۴ از جمله «نهایه‌الارب فی اخبار القرمس و العرب» بیش از ۴۰۰ مقاله، ۵۰ کتاب و تصحیح کتاب غیر از تدوین فهرست‌ها که کاری بزرگ بود از خود به‌یادگار گذاشته است؛ و در این میان جستجو، معرفی، و چاپ نسخه‌های خطی جای ویژه‌ای دارد. معروف است که اگر نسخه‌ای خطی حتی در کوه قاف بود، استاد دانش‌پژوه برای یافتنش از پای نمی‌نشست، شاگردان، دوستان و آشنایانش می‌دانستند که هر جا او را ببینند در جستجوی نسخه خطی است، او خود می‌نویسد:

«به شهرهای داخلی ایران مانند آمل، اصفهان، یزد، تبریز، قزوین، قم، کاشان، مشهد و همدان سفر کرده‌ام و از برخی مخطوط (نسخه‌های خطی) کتابخانه‌های آن شهرها، یادداشت برداشتم و بر همین اساس بود که در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران با کوشش آقای ایرج افشار نشریه‌ای به‌نسخه‌های خطی اختصاص دادم.»^۱

هم چنین وی می‌نویسد:

«در خارج از ایران، به شهرهای بغداد، نجف، کربلا، کاظمین و شهرهای مدینه و مکه در عربستان سعودی در سال ۱۳۴۵ و به شهرهای مسکو، لنینگراد، تفلیس، دوشنبه، تاشکند، بخارا، سمرقند، باکو، پاریس، مونیخ، لیدن، اوترخت، استامبول، کمبریج، مونیخ، بستون، پرینستون، میشیگان، شیکاگو و نیویورک به مدت یک‌سال از مرداد ۱۳۵۱ تا مرداد ۱۳۵۲ سفر کرده‌ام.»

از این سفر، درباره نسخه‌های خطی کشورهای شوروی و اروپا و آمریکا نزدیک به هزار صفحه و نزدیک به شش هزار عنوان کتاب سوقات آورد؛ که در مجلد هشتم نشریه کتابخانه مرکزی دانشگاه به چاپ رسیده است.

وی هم چنین می‌افزاید:

«نسخه‌های خطی فارسی، عربی و ترکی دانشگاه لس‌آنجلس بالغ بر هشت هزار مجلد است». شاید اغراق نباشد اگر بگویم حتی یک مرتبه نشد که خدمت ایشان برسم به مناسبت نوروز، یا به احوالپرسی و دیدار و یا به عیادت در بیمارستان... به نحوی درباره کتاب و منبع و نسخه‌ای سخن پیش نیاید. نخستین بار ایشان بودند که درباره هم‌ولایتی نگارنده، «ابواسحاق کوهبنانی» دانشمند قرن نهم و نسخه‌های خطی آثار او در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران و کتابخانه ملی پاریس نگارنده را راهنمایی فرمودند و پریشان‌گویی‌هایی که در این باره نمودم مدیون راهنمایی‌های ایشان است.^۲

فراموش نمی‌کنم یکی از دوستان فرهنگی بازنشسته، نسخه‌ای خطی، از خمسه نظامی داشت و می‌خواست از اعتبار و ارزش مادی آن جويا شود که هزینه‌های زندگی بالا می‌رود و به‌ناچار بایستی برای حفظ جسم و جان، از بسیاری دلبستگی‌ها چشم پوشید.

۱. راهنمای کتاب، جلد هجدهم ص ۶۶۷.

۲. مقاله ابواسحاق کوهبنانی. ریاضی‌دان و ادیب قرن نهم هجری - نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی شهید باهنر، دانشگاه کرمان دوره اول شماره ۱ بهار ۱۳۶۹.

شب چو عزم نماز ببریندم چه خورد بامداد فرزندم
باری خدمت استاد رسیدیم، از نسخه‌های خطی خمسه برایمان گفت که در کدام کتابخانه داخل
و خارج یافت می‌شود و توصیه کرد که اگر می‌خواهید بفروشید اول به کتابخانه مرکزی دانشگاه
بروید.

هنگامی که در مورد ارزش مادی کتاب سؤال شد؛ ایشان اظهار داشتند که من هیچ وقت
نمی‌توانم برای یک نسخه خطی بها تعیین کنم. کار من نیست. صحبت‌های آقای دانش‌پژوه
در باره نسخه خطی، بدون توصیه کردن به نفروختن، دوست ما را از فروش آن منصرف کرد.
پژوهشگرانی که با کتابخانه سر و کار دارند می‌دانند که در هرزمینه‌ای که نیاز به مطالعه
نوشته‌های پیشینیان باشد؛ ریاضی، موسیقی، تاریخ، فلسفه، ادبیات... بایستی در فیش‌های
فهرست‌ها، نام دانش‌پژوه را جستجو کنند؛ که تنها در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران ۵۲ کتاب
در زمینه‌های گوناگون به نام وی است.

بازنشستگی هیچ‌گاه استاد را از تحقیق و پژوهش باز نداشت. امسال اوایل پاییز، زمانی که
به خدمت ایشان رسیدم، در حالی که سخت ناتوان و بیمار بودند، اظهار داشتند که من دیگر
زنده نیستم چون نمی‌توانم کتابی را که چندین روز است در کنارم می‌باشد بردارم و بخوانم...
روز جمعه ۳۰ آذر، در خاکسپاری استاد دانش‌پژوه در خطه نویسندگان و هنرمندان استاد
عبدالله نورایی به حق اظهار داشتند که:

«امروز از سرزمین مازندران و طبرستان کسی را به خاک می‌سپاریم که از زمان محمدبن جریر
طبری، تاکنون مانند او سراغ نداریم.»
گنجی چنین نهفته به زیر زمین، دریغ!

یادواره علی ماتک

از ساعت ۳/۵ بعد از ظهر روز شنبه ۷۵/۸/۱۹
به مناسبت اولین سالگرد درگذشت نویسنده و مترجم
توانای گیلانی مراسمی با حضور جمع کثیری از
هنرمندان و علاقمندان آن فقید در سالن پرورشگاه
مژدهی رشت برپا شد. در آغاز مراسم فرهنگ
توحیدی (کارگردان تیاتر) ضمن خوش آمد گویی
به حضار با یک بیت شعر به شرح زیر به معرفی
پرداخت:

عشق در دل ماند و یار از دست رفت

دوستان دستی که کار از دست رفت

علی صدیقی (قصه‌نویس و روزنامه‌نگار) به عنوان اولین سخنران نوشته‌ای تحت عنوان
انعکاس وفات آقای (ماتک) در مطبوعات را قرائت کرد، سپس کاوه گوهرین (شاعر و مؤلف)

شعری را که یکسال پیش در رابطه با وفات آقای ماتک سروده بود قرائت کرد، پس از آن عزت‌الله صمصام (محقق و خواننده تعزیه) آوازی از سعدی با همکاری تار آقای نعمتی‌زاده خواند. سپس حافظ موسوی (نویسنده و منتقد) متنی در رابطه با تألیفات آن فقید قرائت کرد، آنگاه مهنوش ماتک (فرزند ارشد آن مرحوم) متنی در رثای پدر خواند و در پایان قطعه آواز کوتاهی توسط آقای موسوی علیجانی (قصه‌نویس و موسیقیدان) با تار آقای نعمتی‌زاده خوانده شد.

علی ماتک در طول زندگی پررنج و تلاش خود به‌عنوان یکی از پرکارترین نویسندگان و مترجمین گیلانی بود که به‌دلیل عدم دسترسی به امکانات مادی موفق نشد در زمان حیاتش کلیه آثار خود را به چاپ رساند، وی همچنین با اسامی مستعار (علی راهیاب) و (علی آریایی) آثاری به چاپ سپرده تعدادی از تألیفات آن فقید بزرگ عبارتند از:

(تحقیق و بررسی)

۱- جایگاه هنر در روند مناسبات اجتماعی جامعه ما.

۲- رئالیسم تخیلی و رئالیسم اجتماعی

۳- هنر و رابطه آن با کار، ابزار تولید و مناسبات اجتماعی

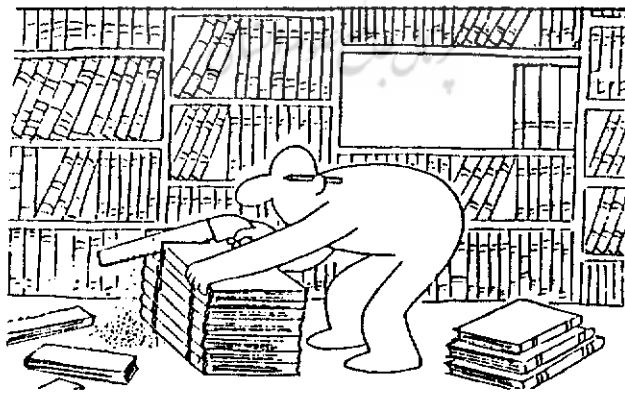
۴- رئالیسم و منشای پیدایش آن

۵- شرایط و موقعیت طبقاتی یک هنرمند

و بسیاری آثار دیگر در زمینه قصه‌نویسی و داستان، ترجمه شعر و مقاله و نیز تألیف چند نمایشنامه و ترجمه آثار کلاسیک و تحقیق نسبتاً جامعی در زمینه آیین‌های مذهب زرتشت و نقش اهریمن در تقابل با نیروهای اهورایی؛ که (ظاهراً) فعلاً مفقود شده است، مقاله‌ای از او تحت عنوان حقیقت جویی لب کلام در رابطه با سخنرانی (احمد شاملو) در نشریه کارج به چاپ رسیده است که دربرگیرنده دیدگاه اوست.

نقاشی از خسرو روشن

فرهنگ



از کارنامه مطبوعات شماره ۵۸ و ۵۹

● «تأسف و حسرت برای جمهوری دمکراتیک آلمان»

هفته‌نامهٔ تایم در شماره ۳۰ سپتامبر ۱۹۹۶ خود، وضعیت آلمان را پس از اتحاد دو آلمان به‌طور مشروح مورد بررسی قرار داده است. در یکی از مقاله‌ها که گزارش ویژه‌ای از وضعیت بخش شرقی آلمان است، خبرنگاران مجله با مردم گفت و گو کرده و وضعیت اقتصادی و اجتماعی جمهوری دمکراتیک آلمان سابق را مورد کاوش قرار داده‌اند. آنچه در پی می‌آید، گزیده‌ای است از این مقاله که مهم‌ترین مسایل مطرح شده را دربرمی‌گیرد.

در خیابان اورانین بورگر (Oranien burger) برلین نزدیک محلی که تا چند سال پیش دیواری بتنی جمهوری دمکراتیک آلمان و جمهوری فدرال آلمان را از هم جدا می‌کرد، کافه‌ای پر از ازدحام قرار دارد. دیوارهای کافه را عکس‌های قاب‌گرفته ارایش هونکر و دیگر رهبران جمهوری دمکراتیک آلمان پوشانیده است. مردم هرروز در این محل و محوطه اطراف آن گرد می‌آیند، ودکای روسی می‌نوشند، سیگارهای ساخت جمهوری دمکراتیک آلمان را دود می‌کنند و دربارهٔ آنچه برکشورشان گذشت به‌گفت و گو می‌پردازند.

این کافه، هم‌اکنون به‌سمبل حسرت و تأسف صدها هزار تن از مردم جمهوری دمکراتیک آلمان تبدیل شده است. این پدیده که در مطبوعات آلمان «حسرت شرق» (ostalgie) نام گرفته، بسیاری از چیزها را دربرمی‌گیرد؛ از گرایش به‌مصرف صابون‌ها و شکلات‌های قدیمی گرفته تا کاربرد واژه‌های ویژهٔ جمهوری دمکراتیک آلمان که گاه مردم بخش غربی آلمان نیز معنای آن را درک نمی‌کنند. در این منطقه یک کتاب‌فروشی وجود دارد که نام پر معنای «حسرت شرق» (Ostalgie) را بر خود نهاده است. در این کتاب‌فروشی، کتاب‌هایی به‌فروش می‌رسند که اقدامات سوسیالیستی جمهوری دمکراتیک آلمان را به‌تحریر و تصویر کشیده‌اند.

مدیر ۳۶ سالهٔ این کافه، آقای هارتموند کلیش (Hartmund Klisch) می‌گوید: «خیلی چیزهاست که مردم شرق آلمان برای آن‌ها، تأسف و حسرت می‌خورند. جمهوری دمکراتیک آلمان، جامعه‌ای به‌مراتب عادلانه‌تر و به‌مراتب اجتماعی‌تر بود. مردم با هم پیوندی عمیق داشتند و از خودخواهی و حرص و آز کنونی آلمان در آن خبری نبود.» دوریت گونلر (Dorit Guenler) ۲۱ ساله و از کارکنان این کافه اضافه می‌کند: «مردم به‌این‌جا می‌آیند تا خاطرات خوش گذشته را دوباره در ذهن خود زنده کنند.»

میلیون‌ها تن از مردم برای سیستم تأمین اجتماعی جمهوری دمکراتیک آلمان که آینده آن‌ها را تأمین می‌کرد، و نیز آن پیوند امیدافزا و گرم‌بخش مردم، که پس از دوران وحشتناک جنگ جهانی دوم، در جمهوری دمکراتیک آلمان، پدیدار شده بود، حسرت و تأسف می‌خورند. اگر ۷ سال پیش به‌هنگام فرو ریزش دیوار برلین، نیمی از مردم شرق آلمان در آرزوی زندگی در جمهوری فدرال آلمان بودند، اکنون فقط یک سوم از آن‌ها چنین آرزویی دارند.

هفت‌سال پس از فروریزش دیوار برلین، دوبخش آلمان، بیش از آن‌که به‌یکدیگر نزدیک شوند از هم دیگر دور شده‌اند. مردم شرق آلمان از این‌که اتحاد آلمان - که آرزوی آن‌ها بود -

به ادغام جمهوری دمکراتیک آلمان در جمهوری فدرال آلمان منجر شده است و از رفتار مقلد مآبانه بورکرات‌های آلمانی که شرق کشور را اشغال کرده‌اند و از مدیران جدید که مشکل‌های مالی شرکت‌هایشان را با اخراج کارگران حل می‌کنند و از بازرگانانی که با جنون بازاریابی خود غذاهای محبوب آن‌ها را از قفسه‌های فروشگاه‌ها جمع کرده‌اند، متفردند.

خانم اینا ریشر (Anja Richter)، دانشجوی ۲۲ ساله و پیشخدمت نیمه‌وقت رستورانی در لایپزیک می‌گوید: «امنیت خیابان‌های ما از دست رفته و جرم و جنایت رو به افزایش است. لایپزیک به شهری خطرناک و ناآرام تبدیل شده است.» دکتر دیتر راین‌هارت (Dieter Reinhardt)، ۶۱ ساله که پس از اتحاد دو آلمان اجباراً بازنشسته شده است می‌گوید: «اگر جمهوری دمکراتیک آلمان، هنوز پابرجا بود، من می‌توانستم سال‌ها کار کنم.» خانم یوتا کروکر (Jutta Krocker)، ۳۸ ساله و پزشک زنان هنوز شاغل است در حالی که بسیاری از دوستانش، شغل خود را از دست داده‌اند. او می‌گوید: «سیستم برنامه‌ریزی متمرکز جمهوری دمکراتیک آلمان بهتر بود.» و با تأسف ادامه می‌دهد: «حداقل این‌که وقتی تحصیلات خود را تمام می‌کردید شغلی در انتظار شما بود.»

تأسف و حسرت برای جمهوری دمکراتیک آلمان سال گذشته، هنگامی که ۶۸۰۰۰ تن از جوانان شرق آلمان، در جشن «شب‌نشینی جوانان» که کمونیست‌ها آن را در آلمان دمکراتیک پایه‌گذاری کرده بودند، شرکت جستند، به خوبی جلوه می‌کرد. در ماه مارس گذشته نیز به مناسبت پنجاهمین سالگرد تأسیس سازمان جوانان آلمان آزاد (Freie Deutsche Jugend) بیش از هزار تن از اعضای سابق این سازمان در سالن اجتماعات کنگره در میدان الکساندر گرد آمدند، و یاد سازمانی را که روزی ۲ میلیون و ۳۰۰ هزار تن از جوانان کشور را سازماندهی و تربیت می‌کرد، گرامی داشتند. آن‌ها در حالی که سازمان جوانان را «خانه خود» می‌خواندند، همراه اگون کرنس (Egon Krenz) جانشین اریش هونکر، سرود سازمان جوانان آلمان آزاد «به‌پیش، به‌پیش» را سردادند.

اگر مردم شرق آلمان با حسرت و تأسف از گذشته یاد می‌کنند، به این خاطر است که وضعیت کنونی برای بسیاری از آن‌ها تاریک و یأس‌آور است، و هنوز از «کشور شکوفایی» که صدراعظم آلمان، آقای هلموت کهل در سال ۱۹۹۰ وعده تحقیق آن را داده بود، خبری نیست. آن بخش از مردم شرق آلمان که آرزوی اتحاد دو آلمان را در سر داشتند، اکنون به آرزوی خود نفرین می‌فرستند. بریل بوهلی (Bärbel Bohley)، یکی از ناراضیان سیستم گذشته در جمع ناراضیان رژیم گذشته گفت: «وضعیت کشور عمیقاً ناگوار است. این وضعیت آن چیزی نیست که ما در آرزویش بودیم.» و کلیش اضافه می‌کند: «آزادی خوب است، اما وقتی پول استفاده از مواهب آن را نداشته باشید، به چه درد می‌خورد؟»

نرخ بی‌کاری ۲۵ درصدی و در بعضی مناطق ۴۰ درصدی شرق آلمان که همراه «انتقال به اقتصاد بازار» به این کشور وارد شد، کاهش نیافته است. صنعت ساختمان‌سازی که در پنج سال گذشته، ستون فقرات رشد آلمان محسوب می‌شد، از حرکت بازمانده و صدها شرکت شرق

آلمان، تنها به کمک یارانه‌ها به حیات خود تداوم می‌دهند. پروفیسور رودیگر پهل (Rüdiger pohl)، رییس بنیاد تحلیل اقتصادی در هاله (Halle) می‌گوید: «این شرکت‌ها، مانند افراد معتاد، از تزریق تا تزریق زنده‌اند.» وزیر اقتصاد آلمان آقای گوتترکس روت (Günter Rexrodt)، در گزارش خود به جامعه اروپا در ماه مه تصدیق کرد که رشد اقتصاد شرق آلمان متوقف شده است. پنج بنیاد اقتصادی آلمان نیز طی گزارشی، ضمن تأیید اظهارات وزیر اقتصاد آلمان تصریح کردند که یارانه عظیمی که از غرب آلمان به شرق آن سرازیر شد، غالباً در بازسازی منازل و اداره‌ها به کارگرفته شده است، نه در صنایع تولیدی.

وجود اقشار ناراضی در آلمان توجه تاریخ‌دانان و روان‌شناسان را به خود جلب کرده است. این احساس تأسف و حسرت برای گذشته، آرام آرام به صورت یک نیروی سیاسی درمی‌آید که می‌تواند برای ثبات دولت آلمان تهدیدی به‌شمار رود. تأسف و حسرت برای دوران جمهوری دمکراتیک آلمان نیروی محرک حزب سوسیالیسم دمکراتیک آلمان (Party of Democratic Socialism) است که وارث حزب متحد سوسیالیست آلمان به‌شمار می‌رود. هنگامی که در سال ۱۹۹۰، حزب متحد سوسیالیست آلمان از هم پاشید، ظهور مجدد آن و این بار تحت عنوان حزب سوسیالیسم دمکراتیک آلمان (PDS)، در افق سیاسی آلمان طنزی بیش نبود. اما در انتخابات اخیر، این حزب توجه طیف وسیعی از رأی دهندگان به‌ویژه جوانان را به خود معطوف کرد و ثابت نمود که باید آن را جدی گرفت. در بعضی از مناطق برلین، این حزب ۴۰ درصد آرا را به خود تخصیص داد و دولت سوسیال دمکرات منطقه ساکسنی انهالت (Saxony-Anhalt) در شمال شرقی آلمان تنها به‌یمن حمایت این حزب کنترل دولت را در دست دارد. یک دانشجوی اهل مگده بورگ (magdeburg) می‌گوید: «حزب سوسیالیسم دمکراتیک تنها حزبی است که به‌سرنوشت شرق آلمان می‌اندیشد. تنها این حزب به‌نمایندگی از ما سخن می‌گوید.»

ترجمه: خسرو بارانی

● اس.اس‌ها در پناه آمریکا

رم: کارل هاس، سرگرد سابق اس.اس، که در قتل عام ۳۳۵ ایتالیایی در سال ۱۹۴۴، شریک جرم «اریک پریک به» یک افسر دیگر ارتش هیتلر است به‌خبرنگار مجله اشپیگل گفت که از تاریخ پایان جنگ دوم تحت حمایت آمریکا بود و دولت آمریکا او را که در اتریش دستگیر شده بود با اسناد هویت ساختگی به ایتالیا فرستاد تا برضد کمونیست‌های این کشور فعالیت کند و آن‌ها را به مقامات ایتالیایی «لو» بدهد.

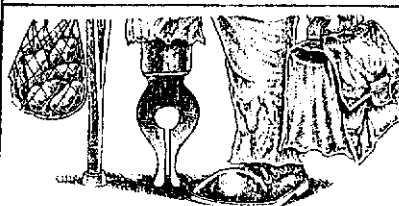
هاس که اینک ۸۳ ساله است و در خانه‌اش در رم تحت مراقبت قرار دارد تا دادگاه استیناف تکلیف وی را روشن سازد اضافه کرده است: در وین در سال ۱۹۴۷، یک افسر آمریکایی به‌من گفت: اینک که جنگ تمام شده است، ما یک دشمن مشترک داریم و آن «کمونیسم» است. هیتلر هم دشمن کمونیست‌ها بود. تو در ایتالیا مأمور جمع‌آوری اسناد فعالیت کمونیست‌ها بودی، ما می‌خواهیم که همین وظیفه را دوباره به‌تو محول کنیم. پذیرفتم. اسناد هویت ساختگی آماده شد

و به ایتالیا فرستاده شدم و همان کار سابق را که به دام انداختن کمونیست‌ها بود ادامه دادم و کسی هم معترض من نشد. «هاس» بر اثر اعترافات «اریک پریک به» که پس از جنگ دوم به آرژانتین گریخته بود تحت تعقیب قرار گرفته است، ولی دادگاه بدوی اعلام کرده است که ارتکاب جرم مشمول مرور زمان شده و قابل دنبال کردن نیست، ولی دادستان از این حکم تقاضای پژوهش همشهری کرده است.

● اطلس حیرت‌آور - یک کتاب روشنگرانه دربارهٔ تجارت مواد مخدر

زمانی که طالبان در افغانستان زیرلوی اسلام به برپایی و تحکیم یک دیکتاتوری مشغول است، در پاریس کتابی تحت عنوان «اطلس جهانی مواد مخدر» برای افشای ملاحظات ژئوپلیتیک مواد مخدر منتشر می‌شود. در حالی که تصاویر تلویزیونی در سطح جهان در صدد نشان دادن جنگ صلیبی طالبان با الکل زیر عنوان «پاکسازی مذهبی» است با مطالعهٔ این کتاب حیرت‌آور درمی‌یابیم که چگونه گروه‌های بزرگ مالک حاکم و ذینفوذ در افغانستان سلاح‌های پیچیده و مدرن خود را از راه فروش هروین به دست می‌آورند. در این میان حمایت آمریکا از طالبان به عنوان تولیدکنندگان و دلالان عمده «طلای سفید» که شهرهای ما را مسموم می‌کنند، با چه می‌توان توجیه کرد؟ و همانطور که نویسندگان این کتاب می‌گویند اگرچه امروز میلیون‌ها نفر وابسته به مواد مخدر هستند، ولی عمق فاجعه، اعتیاد کشورهای این معتادان، به پول بادآوردهٔ این تجارت سیاه است. مصرف مواد روان‌گردان جهانگیر می‌شود و این در حالی است که مصرف این مواد از لحاظ «فرهنگی، اقتصادی و سیاسی» در عملکرد هر جامعه به هیچ وجه نقش منفعلی ندارد. امروز مواد مخدر در مبانی استراتژی‌های جهانی به سلاح ژئوپلیتیک بدل شده‌اند. ارزیابی‌ها نشان می‌دهد، پول سیاهی که از راه این سوداگری مرگ به سیستم‌های بانکی تزریق می‌شود، به بیش از هزار میلیارد دلار یعنی برابر یک پنجم سرمایه‌های خصوصی در جریان، در نظام‌های بانکی و مالی می‌رسد.

اطلس منتشر شده با ۹۰ نقشه و توضیح روشنگرانه دربارهٔ تحولات تجاری مواد مخدر از یک قرن پیش تاکنون یک دایرةالمعارف کامل در کار بررسی مطالعهٔ همه‌جانبه دربارهٔ مواد مخدر به شمار می‌رود.



● هندوستان آماده همکاری با همه کشورهای جهان است.

اچ - دی گودا در ماه ژوئن گذشته به نخست وزیر هند انتخاب شده وی از طرفی باید اصلاحات اقتصادی نخست وزیر پیشین، آقای راو را ادامه دهد و از طرف دیگر، پاسخگوی سیزده گروه مؤتلف با خودش باشد که از طبقات متوسط و فرودست جامعه دفاع می کنند و خواهان افزایش بودجه اجتماعی برای بهبود وضع زندگی این اقشارند. گودا (۶۴ ساله)، در لباس بلند سفید به سئوالات خبرنگار اعزامی نیوزویک لالی وی ماوس (lally Weymouth) پاسخ داده است. متن مصاحبه در زیر می آید:

خبرنگار: آقای جیانگ زمین، رئیس جمهور چین، به دیدار اخیر خود از هند پایان داد. آیا این دیار از تنش موجود در روابط دو کشور خواهد کاست؟

گودا: از زمان استقلال هند، این اولین دیدار یک رئیس جمهور چین از هندوستان است. این دیدار جو مساعدی را در روابط دو کشور ایجاد کرده است و تصور می کنم به بهبود روابط فی مابین بیانجامد.

خبرنگار: آیا دیدار آقای جیانگ زمین، از نگرانی شما نسبت به همکاری چین و پاکستان در زمینه تسهیلات اتمی و موشکی می کاهد؟

گودا: ایشان با صراحت اظهار داشتند که چین برنامه ای برای فروش تسلیحات به پاکستان ندارد. من عمیقاً دریافتم که چین خواستار روابط صمیمانه تری با کشور ما است. تصور نمی کنم چینی ها به اقدامی علیه منافع هندوستان دست بزنند.

خبرنگار تصور نمی کنید در گذشته، چین موشک و دیگر تکنولوژی های تسلیحاتی را در اختیار پاکستان گذارده باشد؟

گودا: آقای جیانگ زمین با قاطعیت اظهار داشتند که چین هرگز تسلیحاتی که پاکستان از آن ها علیه هندوستان استفاده کند، در اختیار آن کشور نگذاشته است. ایشان با صراحت این مطلب را بیان داشتند.

خبرنگار: آیا خواهید توانست تنش موجود در روابط هند و پاکستان را خاتمه دهید؟

گودا: ما خواستار روابط حسنه و صمیمانه با پاکستان هستیم. من به خانم بینظیر بوتو، نخست وزیر پیشین پاکستان نامه ای نوشتم و از ایشان خواستم درباره موارد اختلاف دو کشور به گفتگو و تبادل نظر پردازیم. اما به دلیل حوادث داخلی این کشور، هنوز هیچ مذاکره ای صورت نگرفته است.

خبرنگار: آیا برای امنیت ملی هندوستان، داشتن تسلیحات اتمی و موشکی، ضرورت استراتژیک دارد؟
گودا: کشور ما همواره خواستار ممنوعیت کامل کاربرد تسلیحات اتمی بوده است، اما برخی کشورهای پیشرفته که خود از تسلیحات اتمی برخوردارند، تنها از هندوستان می خواهند که قرار داد عدم آزمایش تسلیحات اتمی را امضا کند.

خبرنگار: شما اظهار کرده اید که برنامه لیبرالیسم اقتصادی را که دولت پیشین آغاز کرده بود، ادامه خواهید داد. با توجه به حضور کمونیست ها در دولت ائتلافی شما، آیا قادر به انجام این اقدام خواهید بود؟
گودا: لیبرالیسم اقتصادی، روندی برگشت ناپذیر است. همه حزب های سیاسی، این خط

مشی را پذیرفته‌اند. حتی در ایالت‌هایی مانند بنگال غربی و کرالا که توسط کمونیست‌ها اداره می‌شوند، نیز سرمایه‌گذاری در بخش‌هایی مانند نیرو، تورسم، بنادر و صنایع پیشرفته مورد تشویق قرار می‌گیرد. تخطی از این خط‌مشی ممکن نیست. مایلیم این مسئله را با وضوح بیشتری تشریح کنم. در بعضی زمینه‌ها، باید محتاطانه گام برداشت. آنجا که امکان بهبود صنایع دولتی وجود دارد، خصوصی‌سازی مطرح نیست. در غیر این صورت ما به‌بخش خصوصی اجازه می‌دهیم تا سقف ۴۹ درصد در پروژه‌ها سرمایه‌گذاری کند. در بعضی مناطق، امکان مشارکت بخش خصوصی تا ۷۵ درصد کل پروژه‌ها نیز تأمین شده است.

خبرنگار: آیا ما باید که ایالات متحده آمریکا نیز در هندوستان سرمایه‌گذاری کند؟

چرا تنها آمریکا؟ هر کشوری می‌تواند در این سرمایه‌گذاری مشارکت کند. هندوستان از مشارکت همه کشورهای جهان استقبال می‌کند. هدف از لیبرالیزم اقتصادی نیز همین است.

خبرنگار: برای آن‌که هند موقعیت یک قدرت جهانی را کسب کند، آیا تصمیم ندارید، موانع تجاری را از میان بردارید؟ تعرفه‌ها را کاهش دهید و از حمایت از صنایع داخلی دست بردارید؟

گودا: آنجا که منافع و تجارت کشور ما مطرح است، از آن دفاع می‌کنیم... و البته به شرکت‌های چند ملیتی نیز اجازه می‌دهیم که در سرمایه‌گذاری‌های هند شرکت کنند.

خبرنگار: بازرگانان آمریکایی به وجود بورکراسی در هندوستان معترضند.

گودا: سیاست‌گزاران هند سعی در تطبیق بورکراسی با شرایط نوین دارند.

خبرنگار: آیا ایالات متحده آمریکا را شریک توسعه اقتصادی هند می‌دانید؟

گودا: ما می‌خواهیم با همه کشورهای جهان همکاری اقتصادی داشته باشیم. چرا فقط ایالات متحده آمریکا؟

خبرنگار: وقتی می‌گویید «چرا فقط ایالات متحده آمریکا!» آیا اهمیت درجه اول ارتباط با این کشور را نفی می‌کنید؟

گودا: قصد هیچ‌گونه مقابله خاصی را با ایالات متحده آمریکا نداریم، اما استراتژی اصلی ما آنست که در درجه اول با کشورهای همسایه همکاری‌های اقتصادی داشته باشیم. این مسئله به مفهوم آن نیست که در توسعه اقتصادی خود نقشی برای آمریکا قایل نیستیم. من از رییس جمهور شما، آقای بیل کلینتون برای دیدار از هند دعوت کرده‌ام. ما مشتاقانه در انتظار دیدار ایشان هستیم و به گرمی از ایشان استقبال خواهیم کرد.

خبرنگار: از سال‌ها پیش، هندوستان رابطه بسیار نزدیکی با اتحاد شوروی داشت. رابطه هندوستان با روسیه امروز چگونه است؟

گودا: ما از لحاظ فرهنگی، سیاسی و اقتصادی رابطه بسیار نزدیکی با روسیه داریم.

خبرنگار: شما ائتلاف ۱۳ سازمان سیاسی را در دولت رهبری می‌کنید. آیا می‌توان به موفقیت چنین ائتلاف گسترده و ناهماهنگی امید داشت؟

گودا: رهبری دولت توسط ائتلاف سازمان‌های سیاسی، پدیده نوینی نیست. از این‌گونه دولت‌ها قبلاً در ایتالیا، برزیل و دیگر کشورهای دیگر جهان وجود داشته است.

توجه: پری باقری

هفته‌نامه نیوزویک - ۱۶ دسامبر ۱۹۹۶